

■ صفحه گام دوم انقلاب کوششی است
رسانه‌های جهت تبیین و شرح بیانیه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به مناسبت چهل و سومین سالگرد پیروزی انقلاب و در هر شماره، فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. شنبه‌های هر هفته در تبیین این بیانیه با ما همراه باشید.



پنج ویژگی

دیپلماسی ایرانی

رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۷۱/۵/۲۲ یکی از اهداف مهم مسئولان امور خارجه را پرچسته کردن ویژگی‌های دیپلماسی ایرانی دانستند. در این اینفوگرافیک پنج ویژگی اصلی دیپلماسی ایرانی که رهبر انقلاب در این دیدار بیان فرمودند مرور شده است.



پایبندی به موازین شرع

- عرضه‌ها:
- در رفتارهای فردی و اجتماعی
 - در محافل دیپلماتیک

نترسیدن از هیبت و تشر قدرتهای بزرگ از جمله آمریکا

- نتایج:
- ایجاد جاذبه در دل ملت‌ها
 - تعظیم و تجلیل سیاست مندانان دنیا
 - نسبت به جمهوری اسلامی

دفاع صریح، قاطع و واقعی از مظلوم

- جمله‌گاہ:
- دفاع از ملت و مبارزین فلسطینی و لبنانی و موارد مشابه دیگر

مخالفت جدی با نظام سلطه

- شاهد:
- مخالفت مقتدرانه مسئولان ما با دخالت سلطه گران و به‌ویژه آمریکا
 - از ابتدای انقلاب تا کنون

سرمایه‌های ملی

- ضرورت:
- پشتوانه دستگاه دیپلماسی
 - عامل تأمین منافع ملی

عناصر سرمایه‌های ملی:
دین استقلال، برآمده از انقلاب اسلامی
سبب ملت مؤمن، جوانان انقلابی
سخت قاطع بر مقابلان زاهد و فاسقان
دانشمندان، نخبگان و فعالیت‌های علمی

قدم به قدم با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۳۲)

سیاست خارجی مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت

■ انقلاب اسلامی و روابط بین الملل
وقوع انقلاب اسلامی و تغییر مبنای و رویکردهای سیاست خارجی ایران مستلزم ارائه طرحی جدید برای عمل و تحلیل در حوزه سیاست خارجی بود. در واقع سیاست خارجی ایران به دلیل اتکا بر مبنای دینی و عقایدی خود ناچار است در سال‌های ابتدایی به دنبال تأمین ثبات و امنیت کشور به عنوان یک نظام نوپا باشد، به خصوص که سیاست نه شرقی و نه غربی، کشور را از اتکالی به اقطاب روز دنیا منسحب می‌کند و بر این اساس باید زمینه‌های شناسایی نظام جدید به عنوان عضو جدید بین‌المللی در دستور کار قرار بگیرد. بدیهی است که سیاست خارجی کشور در چنین شرایطی نمی‌تواند مبتنی بر خصومت به خصوص با همسایگان باشد.
این نکته نشان می‌دهد بر خلاف تحلیل عده‌ای، انقلاب اسلامی مسیر تخصص را در روابط بین‌الملل در پیش نگرفت و تنها به دلیل استقلال طلبی، در مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب مورد هجوم شرق و غرب قرار گرفت. دلیل این امر نیز واضح است. در واقع جمهوری اسلامی می‌توانست به مثابه مدلی برای سایر کشورها در استقلال باشد که قطب سوم را در عرض دو قطب دیگر ایجاد می‌کند. از این رو اتفاق بی‌سابقه‌ای در میان جبهه الحاد و کفر برای هدم انقلاب اسلامی صورت گرفت. دلیل دیگر بر این نکته که سیاست خارجی جمهوری اسلامی هرگز بر مبنای خصومت یا تعرض به همسایگان یا کشورهای دیگر نبوده است، این است که برخلاف رژیم پهلوی هیچ سابقه‌ای از تعرض یا دخالت ایران در کشورهای دیگر یا همسایگان وجود ندارد. مبارزه با تئوریسم داعش در کشورهای عراق و سوریه نه تنها دخالت در امور داخلی کشورها نیست بلکه به خواست ملت و دولت آنها در دفاع از مظلوم صورت گرفته است و هرگز معنای تجاوز یا تعرض به جغرافیای دیگر را ندارد و اگر اقدامات جمهوری اسلامی در این مسئله نبود، امروز منطقه متحمل جنایات غیر انسانی بسیاری شده بود.

اعتماد ملت‌ها قرار دارد، جمهوری اسلامی است. دلیل واضح این معنا افزایش بسیار زیاد عمق استراتژیک انقلاب اسلامی است. این مبنا نه با توسعه نظامی یا اقتصادی که نتیجه فضای اعتمادساز و امنیت آفرینی است که بر اثر اصول سیاست خارجی عزتمندانه، حکیمانه و مصلحت‌جوینانه نظام اسلامی واقع شده است.
■ تأمین منافع ملی با سیاست خارجی انقلابی
به بیان دیگر در زمانی که سیاست خارجی ایالات متحده و همسایگان در منطقه غرب آسیا به شدت تضعیف شده و در حال خروج از منطق هستند و در برهه‌ای که دشمن بنا داشت جمهوری اسلامی را از هر سو محاصره کرده و در چشم باز یگان منطقه منفور کند، عمق استراتژیک ایران به حدود هزار و ۵۰۰ کیلومتر در منطقه خطر رسیده است. رژیم اشغالگر قدس علاوه بر دیوار حائل در محاصره ملت‌ها و دولت‌هایی قرار گرفته است که روابط دو جانبه بسیار مستحکم با انقلاب اسلامی دارند و این به معنای پیروزی ایران در فضای پراشوب و عملیات گسترده دشمن است.
در حالی که دشمن و به خصوص رژیم سعودی در دی ماه ۹۶ از کشاندن جنگ به داخل ایران سخن می‌گفت، تنها در فاصله چهار ماه، جمهوری اسلامی «عمق استراتژیک» خود را در سمت غرب به فاصله هزار و ۴۵۰ کیلومتری از تهران و در مرزهای جولان اشغالی قرار داده است. این افزایش عمق استراتژیک صرفاً به معنای یک محیط جغرافیایی نیست، بلکه نیرویابی در هم تنیده در ارتباطی پیچیده در تمام غرب آسیا، هر مهاجمی را در شبکه‌هایی از معمای امنیتی و نظامی گرفتار کرده و از پای درمی‌آورد. امروز در جنوب محور عبری-عربی که انصارالله حضور دارد تا شمال که حزب‌الله لبنان قرار گرفته و شرق آن که سوریه و عراق واقع شده‌اند و غرب فلسطین اشغالی که توسط حماس کنترل می‌شود، رژیم‌صهیونیستی در محاصره کامل قرار گرفته و تنها راه پیش روی‌شان در برای مدیترانه و غرق شدن در آن است. به عیسارت دیگر بر خلاف کسانانی که روزی در رؤیای محاصره جمهوری اسلامی بودند، امروز این نظام اسلامی است که توانسته است محور مقاومت را بر منطقه چیره و خط مقدم آتش را در درون سرزمین‌های اشغالی قرار دهد.
در این بین طرف غربی قصد داشت با ایجاد یک «جنگ متداخل» از فشار جبهه مقاومت بر متحدان منطقه‌ای خود بکاهد، بنابراین پای کردها و ترکیه و همچنین درگیری میان خود گروه‌های تروریستی با یکدیگر نیز به «ام الحروب» سوریه باز می‌شود. طرف

غربی بنا داشت با گسترش میدان نبرد و ورود بازیگران «محلی» حوزه نفوذ جمهوری اسلامی در غرب آسیا را تحت‌الشعاع قرار دهد و در آشوب‌های منطقه، اجزای مقاومت را یکی پس از دیگری از دسترس انقلاب اسلامی خارج و نابود سازد.
در همین فضای سیاسی و نظامی است که جمهوری اسلامی توانسته است «تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم» را به وجود آورد است.
این تحرک جدید از آنچنان شدت و عمقی برخوردار است که سبب شده ایالات متحده تصمیم به خروج از منطقه بگیرد و متحدان منطقه‌ای‌اش را تنها رها کند. به وضوح ایالات متحده در شرق ایران یعنی افغانستان و پاکستان نفوذ و قدرت سابق را ندارد و به دلیل درگیری با چین در دریای چین و همسایگان او بخش از نفوذ خود را از دست داده است. در غرب ایران نیز عراقی صدام به یکی از ارکان محور مقاومت تبدیل شده و انتخابات‌های مجلس تماماً به سود غرب‌ستیزان تمام می‌شود. وضعیت مشابه در سوریه و لبنان و غزه و حتی یمن نشان می‌دهد، این محور مقاومت به رهبری ایران است که قواعد سیاسی و نظامی در غرب آسیا را تعیین می‌کند.
توان مدیریتی جمهوری اسلامی در استفاده از «قدرت رقبای آمریکا» علیه منافع غرب در منطقه و به کارگیری کشورهایی مثل روسیه و ترکیه حتی در تأمین امنیت منطقه از شگفتی‌های سیاست‌های کلان نظام اسلامی است. همین الگو در شرق آسیا یا آمریکای جنوبی به کار گرفته شده است و ایالات متحده که پرستیژ

بین‌المللی خود را شکسته می‌بیند و روزگاری از استراتژی‌هایی چون قدرت نرم یا قدرت هوشمند برای دستیابی به منافعش سود می‌برد، مجبور است حتی کشوری چون ونزوئلا را نیز مرتب تهدید به حمله نظامی کند.
این امر نشان می‌دهد بر خلاف شکست هژمونی آمریکا در جهان، برد توانایی جمهوری اسلامی در «قناعت‌سازی» در منطقه و جهان در حال افزایش است. به عیسارت دیگر هر چند ائتلاف‌های به رهبری آمریکا در منطقه در راستای منافع تروریست‌ها حرکت می‌کنند، اما ائتلاف‌های عرضی جمهوری اسلامی در موفقیتی کامل، طرح جعلی «دولت اسلامی عراق و شام» را که به مراتب خشونت‌آمیز تر از رژیم‌صهیونیستی بود در منطقه نابود کرد. به موازات این عملیات گسترده، مقبولیت جمهوری اسلامی در همه کشورهای منطقه و حتی نزد نخبگان کشورهای رقیب افزایش یافته است و در نتیجه بازارهای اقتصادی می‌نظیری در کشورهای غرب آسیا برای رشد تولید در ایران فراهم شده است. این به این معناست که سیاست خارجی جمهوری اسلامی دقیقاً بر مبنای تأمین منافع ملی پیش رفته از بسیاری از کشورهای مدعی سیادت در جهان موفق تر عمل کرده است.
■ الزامات راهبردی حفظ نظام منطقه‌ای موجود
اصل عدم اعتماد
هر چند نظریات ایده‌آلیستی روابط بین‌الملل، در اندیشه صلح جهانی به رهبریز از خشونت و قدرت‌طلبی حکم کرده و در جست‌وجوی همکاری در روابط بین‌الملل هستند، اما واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد کشورهای قدرتمند و به خصوص محور غرب تنها به منافع مادی خود توجه دارند و مفاهیم ارزشمند انسانی را در آن راستا به کار می‌گیرند. جنگ‌های گسترده در جهان و تولید و تکثیر تروریسم در نقاط مختلف و روابط اقتصادی استعماری یک‌سویه نشان می‌دهد آ‌مان همکاری مشترک یا سود دو جانبه یا راهبرد برد-برد در سیاست غرب چیزی جز فریب و خدعه برای تمکین نسبت به برتری طرف مقابل نیست.
استفان والٹ از نظریه پردازان واقع‌گرای نئوکلاسیک در مقاله‌ای با تشریح دلایل عدم اعتماد به ایالات متحده در مجله فارین پالیسی معتقد است: «بسیار سخت است که آمریکا قدرتمند محسوب شود، زمانی که هیچ کسی به کلماتی که می‌گوید اعتماد ندارد.» او معتقد است ایالات متحده به دلیل عهدشکنی در موارد بسیاری در حال از دست دادن قدرت خویش است. عهدشکنی نسبت به

گورباچف توسط کلبنتون درباره پیشروی نکردن نیروهای ناتو حتی به میزان یک اینچ و سپس نادیده گرفتن تعهدات خود به شوری، خروج جرج بوش از معاهده منع موشک‌های بالستیک در سال ۲۰۰۲ و بی‌توجهی به امکان مقابله‌به‌مثل مسکو در این باره، بی‌توجهی به انجام تعهدات نسبت به کره شمالی در چارچوب توافقنامه ۱۹۹۴ و همچنین سرنگونی حکومت قذافی در لیبی با وجود تعهد دولت امریکا مبنی بر عدم دخالت در این کشور در صورت پذیرفتن بازرسان آمریکایی و انهدام سلاح‌های خود^(۱) و در نهایت تجربه برجام و خروج امریکا از این توافق چندجانبه، از سختی و البته پر هزینه بودن امکان مذاکره مجدد ایران با امریکا حکایت می‌کند، بنابراین در پس این بی‌اعتمادی، مفهوم تهدید در ذهن تصمیم‌گیران دو کشور بهره بیشتری از آلیت برای رسیدن به منافع می‌یابد.
■ حفظ مرزبندی و عدم عقب‌نشینی از ارزش‌های انقلابی
بنا بر آنچه در توصیف وضعیت موجود و به خصوص منطقه غرب آسیا گفته شد، نشان می‌دهد پیروزی‌های منطقه‌ای ایران در نتیجه عملکرد انقلابی، مقاومت توأم با جهاد و عدم تطمع یا ترس از ناحیه دشمن صورت گرفت است، بنابراین حفظ این وضعیت به صورت پایدار می‌تواند سبب تغییر تمام نظام منطقه‌ای از حیث سیاسی و امنیتی شود و ضمن تأمین حداکثر منافع ملی ایران، تمام منافع استعمارگران غربی را از بین ببرد. به بیان دیگر پس از اعتماد عمومی منطقه‌ای به ایران بازار بسیار بزرگ اقتصادی برای کشور به وجود آمده است که در چند معاهده مثل برجام هم ایجاد نمی‌شد. بر این اساس کل صادرات ایران به عراق بالغ بر ۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ است^(۲) که این میزان تقریباً با صادرات ایران به کل اروپا برابری می‌کند، از این رو می‌توان ضمن حفظ مرزبندی و عدم اعتماد به غرب به تجارت با ملت‌هایی پرداخت که پیوستگی و همسنگی چندصدها ساله با ایران داشته‌اند و در ارتباط با آنها نیاز به تخفیف در آرمان‌ها یا منافع ملی کشور نیست.

منابع:
۱- <https://foreignpolicy.com/2018/04/10/america-cant-be-trusted-again/>
۲- <https://www.farsnews.com/13971115008872/news/13971115008872> - صادرات ایران به عراق از ترکیه پیشی گرفت، صادرات بالغ بر ۹ میلیارد دلار.